

**با غلامرضا موسوی چگونه آشنا شدید؟**

تئاتری به نام «شبی که صبح نشد» را با رضا صابری کار می کردیم و صابری نقش یک بلوچ را بازی کرد. موسوی به دیدن کار آمده بود و از آنجا آشنا شدیم. آشنایی همه ماها در زمان انقلاب شکل گرفت که کنار هم بودیم.

**رضا کیانیان با شما هم‌دوره نبود؟**

رضا کیانیان را در محافل هنری می دیدم، اما با هم کار نکرده بودیم **مرحوم محمد مطیع چطور؟**

با مطیع هم ارتباطی نداشتم. در میان این نام‌ها فقط با دار یوش از جمنند ارتباط داشتیم که به ماها کمک می کرد. به طور مثال پروژکتوری داشت که به بچه‌ها می داد. پرژکتور مراسم عروسی اش بود. دوران آماتوری بود و خودمان باید همه چیز را تهیه می کردیم.

**فعالیت شما در همان سطح ساخت فیلم کوتاه محدود می شد؟**

نه، فیلم از تهران می آوردیم و نمایش می دادیم و خیلی از بچه‌های سایر دانشگاه‌های مشهد مثل دانشجویان رشته ادبیات هم در کلاس‌های سینمای آزاد شرکت می کردند و به دیدن فیلم‌ها می آمدند. **آیا در مشهد برای تحصیل به دانشگاه رفتید؟**

نه، بعد از دیپلم گرفتن انقلاب شد و درگیر مشغولیات دیگری شدم. **به نظر می‌رسد با پیروزی انقلاب و ممنوع الکار شدن تعداد زیادی از عوامل سینمای قبل از انقلاب برای جوانهای شهرستانی مثل شما فرصت فیلمسازی و یا کار در سینما مهیا شد. اتفاقی که اگر انقلاب نمی شد ممکن بود شکل نگیرد؟**

من قبل از انقلاب فیلم ۱۶ میلیمتری بلند ساخته بودم و در سال ۱۳۵۶ در واقعه زلزله طبس با کیانوش عیاری به آنجا رفتم و به همراه برادرش (دار یوش) که فیلمبردار بود فیلمی در آنجا ساختیم و دو سه تا از فیلمهای دیگر ما هم در مشهد و چابهار فیلمبرداری کرد.

**آیا از فعالیت مستمر در فیلمسازی در آن زمان درآمدی هم داشتید؟**

تا ساخت آن فیلم بلند ۱۶ میلیمتری از سینما درآمدی نداشتم. **از مهاجرت به تهران و شروع روند فیلمسازی بتان بگوئید؟** سینما آزاد جمع شد و چون مدیر سینما آزاد مشهد بودم و با یک دوربین ۸ میلیمتری با همراه دوستانم رفتم توی خیابان‌های مشهد و از جریان تظاهرات و مبارزات مردم فیلم می گرفتیم.

**آیا این فیلم‌هایی که می‌گفتید جایی هم به نمایش در آوردید؟**

فیلمها را در زمستان ۵۷ بعد از مونتاز کردن با خودم آوردم تهران و با جیرانی و امکانیان و موسوی یک خانه شریکی اجاره کردیم و چون ارتباط با تلویزیون بد نبود چند تا فیلم مستند ساختم و فیلم ۸ میلیمتری را به دکتر بهشتی نشان دادم و از من خریدند و با ساخت مستندهایی که اشاره کردم و در بلوچستان ساخته بودمشان درآمدی به دست آوردم. در همین دوران فریدون جیرانی به من گفت فیلمنامه‌ای نوشته با نام «آفتاب نشین‌ها» و از من خواست آن را بخوانم و نظرم را بدهم و من گفتم علی‌رغم تند و تیز بودنش آن را می سازم.

**برای اولین بار با «آفتاب نشین‌ها» ساخت فیلم‌هایی درباره ظلم ارباب‌ها بر رعیت‌ها در سینمای ایران متداول شد؟**

«آفتاب نشین‌ها» موضوع انتقادی، اجتماعی و سیاسی داشت و نمی دانم که آیا ساخت فیلم‌های مورد اشاره شما بعد از این فیلم متداول شده یا نه!

**چقدر سرمایه ساخت فیلم شد؟**

پول‌های مان را روی هم گذاشتیم و مراد خانی وزارت فرهنگ امکانات فنی و دوربین را به ما داد.

**چگونه علی نصیریان را راضی کردید که در فیلم یک جوان بازی کند؟**

نصیریان انسان فرهیخته و با شعوری است و فیلمنامه را خواند و به من اعتماد کرد.

**کست فیلم هم در چه یک و خوب بود؟**

بله، نقش وزیر را به عزت‌الله انتظامی پیشنهاد دادم و قبولش نکرد و دوست داشت نقش نصیریان را بازی کند که امکانش نبود و حسین پرورش را برای ایفای نقش وزیر دعوت کردم و قبول کرد و یکی دیگر از نقش‌های اصلی را هم بیژن امکانیان بازی کرد. **فیلمبرداری کجا انجام شد؟**

در روستای برغان و در فصل زمستان فیلمبرداری انجام شد. واقعا سرمای شدیدی وجود داشت.

**به چه دلیل «آفتاب نشین‌ها» را که جیرانی نوشته بود خودش کارگردانی نکرد؟**

آن موقع کارگردان نبود و من سابقه فیلمسازی داشتم و فریدون جیرانی در این فیلم دستیارم بود. رخشان بنی اعتماد هم منشی صحنه

بود و مجید قاری‌زاده عکاسی فیلم را بر عهده داشت.

**آیا هدایت علی نصیریان که در آن دوران شهرت زیادی داشت و یک گراند همکاری با کارگردانی چون دار یوش مهرجویی را داشت برایتان سخت نبود؟**

نه، راحت کار کردم و ایشان خودش را مقید می دانست که طبق نظر کارگردان بازی‌اش را انجام بدهد و فیلم در فضای دوستانه‌ای ساخته شد.

**به نظر می‌رسد اگران فیلم هم توام با حاشیه‌هایی بود؟**

بله، جار و جنجال‌هایی به پا شد و آن موقع مجلس تازه شروع به کار کرده بود و عده‌ای از نمایندگان گفتند یک عده کمونیست آماده‌اند این فیلم را ساخته‌اند و همه‌شان ضد انقلاب هستند.

**چه کسانی نقد منفی علیه فیلم نوشتند؟**

اسم نمی آورم ولی برای فیلم مشکل ایجاد کردند. مجبور شدیم از طریق دکتر کلهر معاونت سینمایی آن زمان اقدام کنیم و رفت در مجلس و از فیلم دفاع کرد و گفت همه تیم سازنده بچه‌های انقلابی هستند و اصلا این مسئله درست نیست که کسی که فیلم درباره روستایی‌ها می‌سازد توده‌ای باشد و شرایط با قبل از انقلاب فرق می‌کند و چپ‌ها آن دوران چنین فیلم‌هایی می‌ساختند. مسئله فروکش کرد و البته به من گفتند مدتی صبر کن تا فضا آرام شود و بعد فیلم بعدیت را بساز و بعدش رفته سراغ ساخت فیلم «پرونده».

**فیلمی که تهیه‌کننده‌اش بنیاد مستضعفان بود؟**

بله، مدتی برای ساخت فیلم صبر کردیم.

**آیا «آفتاب نشین‌ها» دچار ممیزی هم شد؟**

به هیچ وجه سانسوری درباره فیلم اعمال نشد.

**در سومین تجربه فیلمسازی در «سناتور» به سراغ یک داستان جذاب پلیسی و حادثه‌ای رفتید و فیلم پرفروشی در گیشه شد؟**

اولش نمی‌خواستیم «سناتور» را بسازم. اما چون شرکت فیلمسازی‌مان تصمیم داشت فیلم پرفروشی داشته باشیم و از نظر اقتصادی وضعیت دفتر بهتر شود، «سناتور» را ساختیم.

**به نظر می‌رسد بعد از اتمام فیلم را فروختید؟**

بله، مهدی احمدی فیلم را خرید، البته ابتدا نمی‌خواست فیلم را بخرد.

**به چه دلیل؟**

فکر می‌کرد شاه بر می‌گردد و ممکن است این فیلم برایش در دسر درست کند و بعدش تغییر عقیده داد و فیلم را خرید و در بهمن سال ۱۳۶۰ فیلم را اکران کرد و در سینماها قیامتی به پا شد و اطراف سینماهای نمایش دهنده «سناتور» خیابانها ترافیک می‌شد. انگاری «سناتور» برای سینمای ایران چاه نفت شد.

**اولین فیلم پرفروش سینمای بعد از انقلاب بود؟**

بله و دوستان اتحادیه تهیه‌کنندگان وارد ماجرا شدند که خودتان بیاید فیلم را پس بگیرید و احمدی فیلم را سلف خری کرده و مهدی فخیم زاده به من زنگ زد و گفت چرا اینکار را کرده‌ای و در جوابش گفتم فیلم خودم بوده و به شما ربطی ندارد و فخرالدین انوار هم گفت فیلم را از اکران می‌کشیم پایین و من هم گفتم نمی‌توانی.

**فخیم زاده از منظر چه سمتی با شما تماس گرفت؟**

از طرف اتحادیه تهیه‌کنندگان و اصرار داشت پول مهدی احمدی را بدم و فیلم را تحویل بگیرم.

**با توجه به عصبی مزاج بودن فخیم زاده آیا**

**دعویاتان شد؟**

نه، آن موقع جرات نمی‌کرد وارد درگیری شود.

**اما سابقه درگیری با بازیگران فیلمهایش**

**را دارد؟**

این قضیه به خودش مربوط می‌شود و درون گروهی است.

**ظاهرا، این قضیه درگیری و**

**اختلاف سلیقه بین تهیه‌کنندگان از**

**اول انقلاب تا به حال وجود داشته و**

**خواهد داشت؟**

بله، قضیه طولانی است. البته الان گسترده‌تر شده و قدرت اتحادیه خیلی نسبت به آن سالها کمتر شده است.

**آیا از اول به زوج موفق و جذاب فرامرز**

**قربیان و بیژن امکانیان فکر کرده بودید و یا**

**گزینه‌های دیگری هم در «سناتور» داشتید؟**

از اولش به این دو نفر فکر کرده بودیم.

**با عزت‌الله انتظامی، خسرو شکیبایی،**

**شهاب حسینی، علی نصیریان، فریبرز عرب‌نیا**

**و خیلی از سوپر استارهای سینمای ایران همکاری داشته‌اید. آیا به همکاری با این جنس از بازیگران علاقه خاصی دارید؟**

آن موقع‌ها این طوری نبود که حضور فلان بازیگر متضمن فروش و اکران مناسب گرفتن باشد. برای فیلمهایم بهترین و نزدیک‌ترین گزینه‌ها نسبت به نقش را انتخاب می‌کردم. دستمزد بازیگرانی که اشاره کردید مثل حالا سرسام آور و کلان نبود و در حد معقولی بود و تهیه‌کننده از پس پرداختش بر می‌آمد و اینها رفتار و اخلاق حرفه‌ای و درجه‌ی یکی حین کار داشتند. همه این بازیگران همان غذایی که تمام بچه‌های گروه می‌خوردند را در کنار آنها مورد استفاده قرار می‌دادند و مثل استارها و سلبریتی‌های حالا تافته جدا بافته نبودند.

**آیا در این چهل سال با بازیگر صاحب نامی هم حین کار دچار چالشی شدید؟**

اصلا و ابدا. من کارم را بلد بودم و این را بازیگران می‌فهمیدند. **چند سریال مثل «دلبر آهنی» هم برای تلویزیون ساختید.**

**کار در تلویزیون برایتان چه ویژگی‌هایی داشت؟**

من کارگردان حرفه‌ای هستم و پیشنهاداتی حالا چه در سینما و چه در تلویزیون می‌شد و بهتر ینهاپیش را انتخاب می‌کردم. «دزدان مادر بزرگ» از زمانی که آقای حیدریان در سینما فیلم بود ساختم.

**در تمام ژانرها فیلمسازی کردید. آیا به کار کردن در ژانر خاصی علاقه ندارید؟**

چیزی را که دوست داشتم می‌ساختم و به ژانر و این حرف‌ها اعتقادی ندارم. بحث ژانر دستپخت همکاران منتقد شماست. سینمای ایران ژانر ندارد.

**در «خانه خلوت» با عزت‌الله انتظامی همکاری بسیار موفقی داشتید؟**

برای نقش نویسنده پا به سن گذاشته انتخاب اول و آخرم عزت‌الله انتظامی بود و رفتم پیش ایشان و با خواندن فیلمنامه بازی در فیلم را قبول کرد و در طول کار خیلی همراه بود.

**از سال‌های زیادی که در جشنواره فیلم فجر حضور داشتید آیا خاطره‌ای دارید؟**

مهمترین خاطره‌ام از جشنواره مربوط به حضور فیلم «خانه خلوت» در جشنواره است. نویسندگی این فیلم بر عهده حسن قلی‌زاده و اصغر عبداللهی بود. عزت‌الله انتظامی، نیکو خردمند، فاطمه گودرزی، جهانگیر فروهر و رضا رویگری ایفاگر نقش‌های اصلی فیلم بودند. این فیلم در دهمین دوره جشنواره فیلم فجر در سیزده رشته نامزد دریافت جایزه شده بود و سیم‌رغ بلورین بهترین فیلمنامه و لوح تقدیر بهترین بازیگر نقش اول و دوم مرد را از آن خود کرد. البته این را هم بگویم که این فیلم جایزه بهترین فیلمبرداری را از جشنواره فیلم حراره دریافت کرد. فیلم در شب اعلام نامزدها در ۱۳ بخش نامزد دریافت سیم‌رغ بود و برایم باور کردنی نبود که فیلم این قدر موفق باشد. فردا صبح از دفتر آقای انوار با من تماس گرفتند که به دفتر جشنواره واقع در طبقه بالای سینما فرهنگ بروم و گفتند این اولین بار در تاریخ برگزاری جشنواره است که یک فیلم در ۱۳ بخش نامزد می‌شود و از شما می‌خواهیم قبل از اولین سانس نمایش فیلم سکانسی که در فیلم نیکو خردمند شانه عزت‌الله انتظامی را می‌گیرد که از خانه خارج نشود را از فیلم حذف کنی. من در جواب گفتم نیکو خردمند لباس انتظامی را لمس می‌کرد و با او تماس بدنی ندارد و نیازی به حذف نیست اما با اصرار و پافشاری من ناچار شدم تغییرات در تدوین فیلم بدهم که این تماس دیده نشود و حذف این صحنه در فیلم انجام شد و فیلم با این کار در جشنواره به نمایش درآمد

و رسید به شب مراسم اختتامیه که متاسفانه فقط فیلم یک جایزه فیلمنامه را به دست آورد که خیلی این قضیه عجیب و غیر باور بود. فیلمی که اینقدر مهم بوده و در ۱۳ بخش نامزد شده فقط یک جایزه برد و داوران نسبت به بازی درخشان عزت‌الله انتظامی بی تفاوت بودند و به نظرم حق این فیلم خورده شد و جایزه به فیلم دیگری رسید. این خاطره خیلی تلخ را هیچگاه فراموش نمی‌کنم.

